

In the name of God
The compassionate the merciful

جزوه شبانه کلاس آنلاین (مجازی)

(جزوه ۰ تا ۱۰۰ جمله سازی)

(جزوه را چاپ و سیمی نمایید)

این جزوه به طور تقریبی ۱۵ درصد از تمرینات جمله سازی دوره را در بر دارد. مابقی تمرینات تالیفی جمله سازی، جلسه به جلسه در اختیاران قرار خواهند گرفت. در این دوره بدون شک به مکالمه خواهید رسید (البته به شرط داشتن نظم و پشتکار)

اصل اولیه دوره: نظم و پشتکار

www.ZabanMardani.ir

Written by: Dr. Mardani

هرگونه استفاده از مواد دوره به غیر از شرکت کنندگان، نقض حقوق مولف بوده و دارای پیگرد قانونی و معنوی میباشد.
تالیف: دکتر نوید مردانی

ضمایر فاعلی و مفعولی

به مثال های ذیل توجه نمایید .

I saw him.
 He told me.
 I speak with her.
 Look at us.
 She meets you.
 They called us.
 It makes me happy.
 I know about them.
 We are watching them.
 I am teaching her.
 They send it.
 I love her.
 They took him to the hospital.
 I don't like them.

ترجمه

او را دیدم.
 او به من گفت.
 من با او صحبت می کنم
 به ما نگاه کن.
 او شما را ملاقات می کند
 آنها به ما زنگ زدند.
 این مرا خوشحال می کند.
 من در مورد آنها می دانم
 ما در حال تماشای آنها هستیم.
 من دارم بهش آموزش میدم
 آنها آن را ارسال می کنند.
 من او را دوست دارم در واقع (دوست می دارم) هست (حال ساده)
 آنها او را به بیمارستان بردند.
 من آنها را دوست ندارم... در واقع (دوست نمی دارم) هست (حال ساده)
نکته: دو دسته ضمیر داریم. دسته اول ضمیر فاعلی، دسته دوم ضمیر مفعولی .
نکته: اگر ضمیر در نقش فاعل بیاید (یعنی انجام دهنده فعل جمله باشد) بایستی از ضمیر فاعلی استفاده نمود، در غیر اینصورت بایستی از ضمیر مفعولی استفاده نمود .
 ضمایر چه فاعلی چه مفعولی به سه دسته اول شخص، دوم شخص و سوم شخص تقسیم میگردند

زمان‌ها در زبان فارسی

تمرین

زمان فارسی هر یک از جملات فارسی ذیل را مقابل آن بنویسید.

- ۱ - ما داشتیم سفر میکردیم.
- ۲ - رضا دارد به ما نگاه می‌کند.
- ۳ - او به مدرسه خواهد رفت.
- ۴ - آنها غذا را نخورده بودند.
- ۵ - دوستان ما هنوز به اینجا نرسیده‌اند.
- ۶ - کجا بازی کرده بودی؟
- ۷ - آیا تکالیف را انجام دادی؟
- ۸ - آیا تکالیف را انجام داده‌ای؟
- ۹ - ما داریم شنا میکنیم.
- ۱۰ - ما می‌خواهیم اینجا را ترک کنیم.
- ۱۱ - ما اینجا را ترک خواهیم کرد.
- ۱۲ - من با تو دوست خواهم ماند.
- ۱۳ - داشتنی ظرف‌ها را میشستی؟
- ۱۴ - او به من پول قرض داده است.
- ۱۵ - غذا می‌خوری؟
- ۱۶ - ما هر روز فوتبال بازی می‌کنیم.
- ۱۷ - آنها امتحان نداده‌اند.
- ۱۸ - ما خواستیم برویم.
- ۱۹ - کجا داشتنی غذا می‌خوردی؟
- ۲۰ - من در حال بازی کردن نبودم. نشانه زمانهای حال استمراری منفی و گذشته استمراری منفی (در حال) است

پاسخ

- ۱- ۱۳-۱۹-۲۰ (گذشته استمراری)
- ۲- ۹- (حال استمراری)
- ۳- ۱۱-۱۲- (آینده ساده)
- ۴- ۶- (ماضی بعید)
- ۵- ۸-۱۴-۱۷- (ماضی نقلی)
- ۱۰- ۱۵-۱۶- (حال ساده)
- ۷- ۱۸- (گذشته ساده)

حال ساده

مثال

I eat food.	من غذا میخورم
She eats pizza.	او پیتزا میخورد
He plays football.	او فوتبال بازی میکند
My dog runs fast.	سگ من سریع میدود
We speak English.	ما انگلیسی حرف میزنیم
They buy bag.	آنها کیف میخرند
Ali talks to me.	علی با من حرف میزند
He doesn't come here.	او به اینجا نمی آید
I don't see you.	من تو رو نمیبینم
They don't watch TV.	آنها تلویزیون نگاه نمیکنند
Do you study?	آیا درس میخوانی؟
Do I play football?	آیا من فوتبال بازی میکنم؟
Does she call you?	آیا او به تو زنگ میزند؟
Does your mind work?	ذهنت کار میکند؟
Doesn't your friend come with us?	آیا دوستت با ما نمی آید؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من میرم مدرسه.
 او نمی آید به اینجا.
 آیا من را میبینی؟
 تو به رادیو گوش نمیدهی؟
 ما تو را دوست نداریم.
 علی نمیدود.
 آیا پدرت شام میخورد؟
 آیا میدانی؟
 او نمیخوابد.
 ما خانه نمیسازیم.
 معلم در کلاس درس میدهد.
 آنها آب نمی نوشند.
 آیا پنجره را تمیز میکنی؟
 دست من کار نمیکند.
 آیا او با تو شنا می کند؟

ترجمه

I go to school.
 She doesn't come here.
 Do you see me?
 Don't you listen to the radio?

We don't like you.
 Ali doesn't run.
 Does your father eat dinner?
 Do you know?
 He doesn't sleep.
 We don't build house.
 The teacher teaches in the class.
 They don't drink water.
 Do you clean the window?
 My hand doesn't work.
 Does he swim with you?

گذشته ساده
 مثال

I ate food.	من غذا خوردم
She ate pizza.	او پیتزا خورد
He played football.	او فوتبال بازی کرد
My dog ran fast.	سگ من سریع دوید
We spoke English.	ما انگلیسی حرف زدیم
They bought bag.	آنها کیف خریدند
Ali talked to me.	علی با من حرف زد
He didn't come here.	او به اینجا نیامد
I didn't see you.	من تورو ندیدم
They didn't watch TV.	آنها تلویزیون نگاه نکردند
Did you study?	آیا درس خواندی؟
Did I play football?	آیا من فوتبال بازی کردم؟
Did she call you?	آیا او به تو زنگ زد؟
Did your mind work?	ذهنت کار کرد؟
Didn't your friend come with us?	آیا دوستت با ما نیامد؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من رفتم مدرسه.
 او نیامد به اینجا.
 آیا من را دیدی؟
 تو به رادیو گوش ندادی؟
 ما تورا دوست نداشتیم.
 علی ندوید.
 آیا پدرت شام خورد؟
 آیا دانستی؟
 او نخوابید.
 ما خانه نساختیم.
 معلم در کلاس درس داد.
 آنها آب ننوشیدند.

آیا پنجره را تمیز کردی؟
دست من کار نکرد.
آیا او با تو آشنا کرد؟

ترجمه جملات

I went to school.
She didn't come here.
Did you see me?
Didn't you listen to the radio?
We didn't like you.
Ali didn't run.
Did your father eat dinner?
Did you know?
He didn't sleep.
We didn't build house.
The teacher taught in the class.
They didn't drink water.
Did you clean the window?
My hand didn't work.
Did he swim with you?

حال استمراری

مثال

I am eating food.	من دارم غذا میخورم
She is eating pizza.	او دارد پیتزا میخورد
He is playing football.	او دارد فوتبال بازی میکند
My dog is running fast.	سگ من دارد سریع میدود
We are speaking English.	ما داریم انگلیسی حرف میزنیم
They are buying bag.	آنها دارند کیف میخرند
Ali is talking to me.	علی دارد با من حرف میزند
He isn't coming here.	او در حال آمدن به اینجا نیست
I am not seeing you.	من در حال دیدن تو نیستم
They aren't watching TV.	در حال تلویزیون دیدن نیستند
Are you studying?	آیا داری درس میخوانی؟
Am I playing football?	آیا من دارم فوتبال بازی میکنم؟
Is she calling you?	آیا او دارد به تو زنگ میزند؟
Is your mind working?	ذهنت دارد کار میکند؟
Isn't your friend coming with us?	آیا دوستت در حال آمدن با ما نیست؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من دارم میرم مدرسه.
او در حال آمدن به اینجا نیست.
آیا داری من را میبینی؟

تو در حال گوش دادن به رادیو نیستی؟
 علی در حال دویدن نیست.
 آیا پدرت دارد شام میخورد؟
 او خوابه.
 ما داریم خانه میسازیم.
 معلم دارد در کلاس درس میدهد.
 آنها در حال نوشیدن آب هستند.
 آیا داری پنجره را تمیز میکنی؟
 دست من دارد کار میکند.
 آیا او دارد با تو شنا می کند؟

ترجمه جملات

I am going to school.
 She isn't coming here.
 Are you seeing me?
 Aren't you listening to the radio?
 Ali isn't running.
 Is your father eating dinner?
 He is sleeping.
 We are building house.
 The teacher is teaching in the class.
 They are drinking water.
 Are you cleaning the window?
 My hand is working.
 Is he swimming with you?

گذشته استمراری

مثال

I was eating food.	من داشتم غذا میخوردم
She was eating pizza.	او داشت پیتزا میخورد
He was playing football.	او داشت فوتبال بازی میکرد
My dog was running fast.	سگ من داشت سریع میدود
We were speaking English.	ما داشتیم انگلیسی حرف میزدیم
They were buying bag.	آنها داشتند کیف میخریدند
Ali was talking to me.	علی داشت با من حرف میزد
He wasn't coming here.	او در حال آمدن به اینجا نبود
I wasn't seeing you.	من در حال دیدن تو نبودم
They weren't watching TV.	در حال تلویزیون دیدن نبودند
Were you studying?	آیا داشتی درس میخواندی؟
Was I playing football?	آیا من داشتم فوتبال بازی میکردم؟
Was she calling you?	آیا او داشت به تو زنگ میزد؟
Was your mind working?	ذهنت داشت کار میکرد؟
Wasn't your friend coming with us?	آیا دوستت در حال آمدن با ما نبود؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من داشتم میرفتم مدرسه.

او در حال آمدن به اینجا نبود.

آیا داشتی من را میدیدی؟

تو در حال گوش دادن به رادیو نبودی؟

علی در حال دویدن نبود.

آیا پدرت داشت شام میخورد؟

او خواب بود.

ما داشتیم خانه میساختیم.

معلم داشت در کلاس درس میداد.

آنها داشتند آب می نوشیدند.

آیا داشتی پنجره را تمیز میکردی؟

دست من داشت کار میکرد.

آیا او داشت با تو شنا می کرد؟

ترجمه جملات

I was going to school.

She wasn't coming here.

Were you seeing me?

Weren't you listening to the radio?

Ali wasn't running.

Was your father eating dinner?

He was sleeping.

We were building house.

The teacher was teaching in the class.

They were drinking water.

Were you cleaning the window?

My hand was working.

Was he swimming with you?

ماضی نقلی

مثال

I have eaten food.

She has eaten pizza.

He has played football.

My dog has run fast.

We have spoken English.

They have bought bag.

Ali has talked to me.

He hasn't come here.

I haven't seen you.

They haven't watched TV.

من غذا خورده‌ام

او پیتزا خورده است

او فوتبال بازی کرده است

سگ من سریع دویده است

ما انگلیسی حرف زده‌ایم

آنها کیف خریده‌اند

علی با من حرف زده است

او به اینجا نیامده است

من تو رو ندیده‌ام

آنها تلویزیون نگاه نکرده‌اند

Have you studied?

آیا درس خوانده‌ای؟

Have I played football?

آیا من فوتبال بازی کرده‌ام؟

Has she called you?

آیا او به تو زنگ زده است؟

Has your mind worked?

ذهنت کار کرده است؟

Hasn't your friend come with us?

آیا دوستت با ما نیامده است؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من به مدرسه رفته‌ام.

او به اینجا نیامده است.

آیا من را دیده‌ای؟

تو به رادیو گوش نداده‌ای؟

ما تو را دوست نداشته‌ایم.

علی ندویده است.

آیا پدرت شام خورده است؟

آیا دانسته‌ای؟

او نخواییده است.

ما خانه نساخته‌ایم.

معلم در کلاس درس داده است.

آنها آب ننوشیده‌اند.

آیا پنجره را تمیز کرده‌ای؟

دست من کار نکرده است.

آیا او با تو شنا کرده است؟

ترجمه جملات

I have gone to school.

She hasn't come here.

Have you seen me?

Haven't you listened to the radio?

We haven't liked you.

Ali hasn't run.

Has your father eaten dinner?

Have you understood?

He hasn't slept.

We haven't built house.

The teacher has taught in the class.

They haven't drunk water.

Have you cleaned the window?

My hand hasn't worked.

Has he swum with you?

ماضی بعید

مثال

I had eaten food.	من غذا خورده بودم
She had eaten pizza.	او پیتزا خورده بود
He had played football.	او فوتبال بازی کرده بود
My dog had run fast.	سگ من سریع دویده بود
We had spoken English.	ما انگلیسی حرف زده بودیم
They had bought bag.	آنها کیف خریده بودند
Ali had talked to me.	علی با من حرف زده بود
He hadn't come here.	او به اینجا نیامده بود
I hadn't seen you.	من تو رو ندیده بودم
They hadn't watched TV.	آنها تلویزیون نگاه نکرده بودند
Had you studied?	آیا درس خوانده بودی؟
Had I played football?	آیا من فوتبال بازی کرده بودم؟
Had she called you?	آیا او به تو زنگ زده بود؟
Had your mind worked?	ذهنت کار کرده بود؟
Hadn't your friend come with us?	آیا دوستت با ما نیامده بود؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

- من به مدرسه رفته بودم.
- او به اینجا نیامده بود.
- آیا من را دیده بودی؟
- تو به رادیو گوش نداده بودی؟
- علی ندویده بود.
- آیا پدرت شام خورده بود؟
- آیا دانسته بودی؟
- او نخواهییده بود.
- ما خانه نساخته بودیم.
- معلم در کلاس درس نداده بود.
- آنها آب ننوشیده بودند.
- آیا پنجره را تمیز کرده بودی؟
- دست من کار نکرده بود.
- آیا او با تو شنا کرده بود؟

ترجمه جملات

I had gone to school.
 She hadn't come here.
 Had you seen me?
 Hadn't you listened to the radio?
 Ali hadn't run.
 Had your father eaten dinner?
 Had you understood?
 He hadn't slept.

We hadn't built house.
 The teacher hadn't taught in the class.
 They hadn't drunk water.
 Had you cleaned the window?
 My hand hadn't worked.
 Had he swum with you?

آینده ساده

مثال

I will eat food.	من غذا خواهم خورد
She will eat pizza.	او پیتزا خواهد خورد
He will play football.	او فوتبال بازی خواهد کرد
My dog will run fast.	سگ من سریع خواهد دوید
We will speak English.	ما انگلیسی حرف خواهیم زد
They will buy bag.	خواهند خرید آنها کیف
Ali will talk to me.	علی با من حرف خواهد زد
He won't come here.	او به اینجا نخواهد آمد
I won't see you.	من تورو نخواهم دید
They won't watch TV.	آنها تلویزیون نگاه نخواهند کرد
Will you study?	آیا درس خواهی خواند؟
Will I play football?	آیا من فوتبال بازی خواهم کرد؟
Will she call you?	آیا او به تو زنگ خواهد زد؟
Will your mind work?	ذهنت کار خواهد کرد؟
Won't your friend come with us?	آیا دوستت با ما نخواهد آمد؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من خواهم رفت به مدرسه.
 او به اینجا نخواهد آمد.
 من را خواهی دید؟
 تو به رادیو گوش خواهی داد؟
 ما تورا دوست خواهیم داشت.
 علی نخواهد دوید.
 آیا پدرت شام خواهد خورد؟
 آیا خواهی دانست؟
 او نخواهد خوابید.
 ما خانه نخواهیم ساخت.
 معلم در کلاس درس خواهد داد.
 آنها آب نخواهند نوشید.
 آیا پنجره را تمیز خواهی کرد؟
 دست من کار نخواهد کرد.
 آیا او با تو شنا خواهد کرد؟

I will go to school.
 She won't come here.
 Will you see me?
 Won't you listen to the radio?
 We won't like you.
 Ali won't run.
 Will your father eat dinner?
 Will you know?
 He won't sleep.
 We won't build house.
 The teacher will teach in the class.
 They won't drink water.
 Will you clean the window?
 My hand won't work.
 Will he swim with you?

آینده با Be going to**مثال**

I am going to eat food.	من قصد دارم غذا بخورم
She is going to eat pizza.	او قصد دارد پیتزا بخورد
He is going to play football.	او قصد دارد فوتبال بازی کند
My dog is going to run fast.	سگ من قصد دارد سریع بدود
We are going to speak English.	ما قصد داریم انگلیسی حرف بزنیم
They are going to buy bag.	آنها قصد دارند کیف بخرند
Ali is going to talk to me.	علی قصد دارد با من حرف بزند
He isn't going to come here.	او قصد ندارد به اینجا بیاید
I am not going to see you.	من قصد ندارم تو را ببینم
They aren't going to watch TV.	آنها قصد ندارند تلویزیون نگاه کنند
Are you going to study?	آیا قصد داری درس بخوانی؟
Am I going to play football?	آیا من قصد دارم فوتبال بازی کنم؟
Is she going to call you?	آیا او قصد دارد به تو زنگ بزند؟
Is your mind going to work?	ذهنت قصد دارد کار کند؟
Isn't your friend going to come with us?	آیا دوستت قصد ندارد با ما بیاید؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نماید.

من قصد دارم به مدرسه بروم.
 او قصد ندارد به اینجا بیاید.
 آیا قصد داری من را ببینی؟
 تو قصد نداری به رادیو گوش دهی؟
 علی قصد ندارد بدود.

آیا پدرت قصد دارد شام خورد؟
 او قصد دارد بخوابد.
 ما قصد داریم خانه بسازیم.
 معلم قصد دارد در کلاس درس بدهد.
 آنها قصد دارند آب بنوشند.
 آیا قصد داری پنجره را تمیز کنی؟
 دست من قصد دارد کار کند.
 آیا او قصد دارد با تو شنا کند؟

ترجمه جملات

I am going to go to school.
 She isn't going to come here.
 Are you going to see me?
 Aren't you going to listen to the radio?
 Ali isn't going to run.
 Is your father going to eat dinner?
 He is going to sleep.
 We are going to build house.
 The teacher is going to teach in the class.
 They are going to drink water.
 Are you going to clean the window?
 My hand is going to work.
 Is he going to swim with you?

نکته؛ میتوان بجای going to از مخفف آن یعنی gonna (گانا) استفاده کرد. که در اینصورت بیان محاوره‌ای میگردد.

We are going to study.
 We are gonna study.
 David is going to call me.
 David is gonna call me.

نکته؛ در اینصورت معنی جمله تغییری نخواهد کرد.

گذشته با Used to

مثال

I used to eat food late.	من دیر غذا میخوردم
She used to eat pizza.	او پیتزا میخورد
He used to play football.	او فوتبال بازی میکرد
My dog used to run fast.	سگ من سریع می‌دوید
We used to speak English.	ما انگلیسی حرف میزدیم
They used to buy bag.	آنها کیف میخریدند
Ali used to talk to me on Fridays.	علی جمعه‌ها با من حرف میزد
He didn't use to come here before.	او قبلا به اینجا نمی‌آمد
I didn't use to see you at school.	من تورو در مدرسه نمی‌دیدم

They didn't use to watch TV at home.	آنها در منزل تلویزیون نگاه نمیکنند.
Did you use to study before?	آیا قبلا درس میخواندی؟
Did I use to play football on Saturdays?	آیا من شنبهها فوتبال بازی میکردم؟
Did she use to call you?	آیا او به تو زنگ میزد؟
Did your mind use to work?	ذهنت کار میکرد؟
Didn't your friend use to come with you last year?	آیا دوستت پارسال با تو نمیآمد؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من به مدرسه میرفتم.

او نمیآمد به اینجا.

آیا پارسال من را میدیدی؟

تو به رادیو گوش نمیدادی؟

ما تورا دوست نداشتیم قبلا.

علی وقتی بچه بود نمیدوید.

آیا پدرت دیر شام میخورد؟

آیا میدانستی؟

او وقتی بچه بود نمی خوابید.

ما قبلا خانه نمی ساختیم.

معلم قبلا در کلاس تند درس میداد .

آنها تابستانها آب نمی نوشیدند .

آیا وقتی جوانتر بودی خانه را تمیز میکردی؟

دست من کار نمیکرد.

آیا او با تو شنا می کرد؟

ترجمه جملات

I used to go to school.

She didn't use to come here.

Did you use to see me last year?

Didn't you use to listen to the radio?

We didn't use to like you before.

Ali didn't use to run when he was child.

Did your father use to eat dinner late?

Did you use to know?

He didn't use to sleep when he was child.

We didn't use to build house before.

The teacher used to teach fast in the class.

They didn't use to drink water in summers.

Did you use to clean the house when you were younger?

My hand didn't use to work.

Did he use to swim with you?

نکته: گذشته با used to به کاری گفته میشود که در گذشته چندین مرتبه بصورت عادت رخ داده است، اما اکنون دیگر رخ

نمیدهد.

حال کامل استمراری

مثال

I have been eating food since 2 o'clock.
 He has been playing football from 2 hours ago
 My dog has been running since 30 minutes ago.
 We have been speaking English since 20 years ago.
 Ali has been talking to me from 5 o'clock.
 They have been watching TV since last night
 Have you been studying from 2 years ago?
 Have I been playing football since 1 hour ago?
 Has she been calling you during last 2 years?

من از ساعت ۲ دارم غذا میخورم
 او از ۲ ساعت پیش دارد فوتبال بازی میکند.
 سگ من از ۳۰ دقیقه پیش دارد میدود
 ما از ۲۰ سال پیش داریم انگلیسی حرف میزنیم
 علی از ساعت ۵ دارد با من حرف میزند
 آنها از دیشب دارند تلویزیون میبینند.
 آیا از ۲ سال پیش داری درس میخوانی؟
 آیا من از یک ساعت پیش دارم فوتبال بازی میکنم؟
 آیا او طی ۲ سال گذشته دارد به تو زنگ میزند؟

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

من ۲ ساله که دارم میرم مدرسه.
 او سه ساله که به اینجا نیامده است.
 آیا یک ساعت است داری من را میبینی؟
 از ساعت ۲ داری رادیو گوش میدی؟
 علی از ساعت ۴ در حال دویدن است.
 آیا پدرت یک ساعته دارد شام میخورد؟
 ما از پارسال داریم خانه میسازیم.
 معلم از ساعت یک دارد در کلاس درس میدهد.
 آنها از دیروز آب ننوشیده‌اند.
 آیا یک ساعته داری پنجره را تمیز میکنی؟
 آیا او سه ساعت است که دارد با تو شنا می‌کند؟

ترجمه جملات

I have been going to school since 2 years ago.
 She hasn't been coming here since 3 years ago.
 Have you been seeing me from 1 hour ago?
 Have you been listening to the radio from 2 o'clock?
 Ali has been running since 4 o'clock.
 Has your father been eating dinner since 1 hour ago?

We have been building house from last year.
 The teacher has been teaching in the class since 1 o'clock.
 They haven't been drinking water since yesterday.
 Have you been cleaning the window for an hour?
 .
 Has he been swimming with you since 3 hours ago?

نکته: حال کامل استمراری به کاری گفته میشود که از گذشته شروع شده، تا زمان حال ادامه یافته، و اینکه از اکنون به بعد ادامه داشته باشد یا خیر اهمیت ندارد.

نکته: در این زمان ذکر تاریخ شروع کار الزامی است. و برای این کار معمولاً از دو واژه since و from استفاده می‌شود.

ضمایر ملکی و صفات ملکی

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

خانه ما.

کتاب آنها.

ذهن شما.

تکالیف او(مذکر)

کفش‌های او(مونث)

رنگ آن(غیر انسان)

آیا این مشکل توست؟

آیا آن لباس مال اوست؟

آیا این ماشین مال من است؟

این خانه ما من است.

آن کتاب مال آنهاست.

این ماشین مال شماست.

آن تکالیف مال اوست(مذکر)

آن کفش‌ها مال اوست(مونث)

آن خودکار مال ماست.

این غذا مال من نیست.

پاسخ

Our house

Their book

Your mind

His home-works

Her shoes

Its color

Is this your problem?

Is that his clothe?

Is it my car? Or is this my car?

This house is mine.

That book is theirs.

This car is yours.

Those home-works are his.

Those shoes are hers.

That pen is ours.

This food isn't mine.

نکته: تمامی جملات فوق چه از طریق صفات ملکی چه از طریق ضمایر ملکی گفته شوند، هیچ گونه فرق چشمگیری در معنا نداشته، لذا استفاده از هر روش فرقی نمی‌کند.

افعال To be

مثال

افعال To be در زمان حال ساده

I am happy.	من خوشحالم
Am I tired?	من خسته‌ام؟
She is fat.	او چاق است
My house is expensive.	خانه من گران است
Is it yours?	این مال تو است؟
We are hungry.	ما گرسنه‌ایم
Are they hungry?	آنها گرسنه هستند؟

افعال To be در زمان گذشته ساده

I was happy	من خوشحال بودم
Was I angry?	من عصبانی بودم؟
He was fat.	او چاق بود
Her car was old.	ماشینش قدیمی بود
My parents were tired.	والدینم خسته بودند
They were angry.	آنها عصبانی بودند
Were they angry?	آیا آنها عصبانی بودند؟

افعال To be در زمان‌های دیگر به غیر از دو زمان فوق، به شکل فعل be ظاهر می‌گردد. و همانند دیگر افعال با آن رفتار می‌گردد. یعنی در زمان حال ساده به شکل are , is , am و در زمان گذشته ساده به شکل were , was و در دیگر زمانها به شکل be به معنی (بودن) ظاهر میشود.

I will be angry.	من عصبانی خواهم بود
They have been angry.	آنها عصبانی بوده‌اند
We are going to be happy.	ما قصد داریم خوشحال باشیم

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

تو خیلی تنبل هستی.

آنها واقعا باهوش بودند.

غذایم کجاست؟

کجا هستی؟

چرا خسته است؟

من بیمار بوده‌ام.

فرش‌ها کثیف بودند.

خسته هستی؟

دانشجویان در مدرسه نبودند.

اینجایی؟

ما خوشحال نبودیم.

پاسخ

They were really smart.
 Where is my food?
 Where are you?
 Why is he tired?
 I have been sick.
 The carpets were dirty.
 Are you tired?
 The students weren't in the school.
 Are you here?
 We weren't happy.

مصدر

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

دوست داشتن تو اشتباه بود.
 داشتن ماشین برای من مهم است.
 مسافرت کردن در تابستان لذت بخش است.
 فیلم نگاه کردن در شب سرگرمی من است.
 من شناکردن را دوست دارم.
 آب نوشیدن میتواند به آنفولانزا کمک کند.
 دیر خوابیدن در شب کار خوبی نیست.
 آمدن به اینجا برایم ضروری بود.
 آهنگ گوش دادن برای داشتن ذهن آرام ضروری است.
 حدس زدن درباره این مسئله سخت است.

پاسخ

Loving you was mistake.
 Having car is important for me.
 Traveling in summer is enjoyable.
 Watching TV at night is my hobby.
 I like swimming.
 Drinking water can help the flu.
 Sleeping late at night is not good.
 Coming here was necessary for me.
 Listening to the music is important to have (for having) a calm mind.
 Guessing about this problem is hard.

افعال کمکی

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

تو میتوانی بروی.

او می تواند آواز بخواند.

ما نمی توانیم منتظر بمانیم.

آنها میتوانند با ما بیایند.

میتوانی اینجا را تمیز کنی؟

نمیتواند ماشین را تعمیر کند؟

تو ممکن است ببازی.

او ممکن است آزمون را پاس کند.

آنها احتمال ندارد بیایند.

احتمال دارد ما شکست بخوریم؟

احتمال دارد او به اینجا بیاید؟

اجازه دارم صحبت کنم؟

تو باید درس بخوانی.

او باید غذایش را بخورد.

آنها نباید مسافرت کنند.

ما باید بدویم؟

او باید پول پرداخت کند؟

آنها نباید کلاس را ترک کنند.

ترجمه

You can go.

He can sing.

We can't wait.

They can come with us.

Can you clean here?

Can't he repair the car?

You may lose.

He may pass the exam.

They may not come.

May we lose?

May he come here?

May I speak?

You (should/must) study.

He (should/must) eat his food.

They (shouldn't /mustn't) travel.

(should/must) we run?

(should/must) he pay money?

She (should/must) leave the class.

لغات پرسشی WH Question

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

کجا میروی؟

چه میخوری؟

ساعت چند به تهران میرود؟

چرا جواب من را نمیدهد؟

چندتا کتاب داریم؟

کی رفتی؟

چرا نیامد؟

کجا خوابیدی؟

کجا داری میروی؟

چرا داری زنگ میزنی؟

چه کسی داشت حرف میزد؟

کجا داشتند بازی میکردند؟

چرا شیشه را شکسته‌ای؟

کجا زندگی کرده است؟

ساعت چند نامه را ارسال کرده بودند؟

چرا نیامده بود؟

کی به مسافرت خواهی رفت؟

چندتا خانه خواهی خرید؟

کجا شنا میکردی وقتی بچه بودی؟

چرا از پدرت پول میگرفتی؟

چه مدت اینجا زندگی کرده ای؟

چه مدت اینجا منتظر مانده‌ای؟

لغات پرسشی WH Question با افعال کمکی

کجا میتوانم بازی کنم؟

چرا باید درس بخواند؟

چقدر باید بپردازیم؟

چطور میتوانی اینجا بمانی؟

لغات پرسشی WH Question با افعال To Be

چرا خسته هستی؟

کجا بودی؟

چرا خوشحال نبودند؟

در مدرسه هستی؟

چرا در خانه نیست؟

نکته: لغات wh question پشت سر ابزار سوال قرار میگیرند.

Where do you go?
 What do you eat?
 What time does he go to Tehran?
 Why doesn't he answer me?
 How many books do we have?
 When did you go?
 Why didn't he come?
 Where did he sleep?
 Where are you going?
 Why are you calling?
 Who was speaking?
 Where were they playing?
 Why have you broken the glass?
 Where has he lived?
 What time had they sent the letter?
 Why hadn't she come?
 When will you travel?
 How many houses will you buy?
 Where did you use to swim when you were child?
 Why did you use to get money from your father?
 How long have you been living here?
 How long have you been waiting here?
 Where can I play?
 Why should she study?
 How much should we pay?
 How can you stay here?
 Why are you tired?
 Where were you?
 Why weren't they happy?
 Are you at school?
 Why isn't he at home?

صفات تفضیلی و عالی

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

علی از رضا بلندتر است.

ما خوشحال تر بودیم از شما.

تو باید با تجربه تر بشی.

او داره بهتر میشه.

تو داری منو خسته تر میکنی.

زیباترین گل در این مزرعه.

او خیلی از من چاق تر بود.

داشت دورتر میشد.

مهم ترین مشکل در این کشور فقر است.

این مبل ها فکر کنم ارزان تر باشند.

پاسخ

Ali is taller than Reza.
 We were happier than you.
 You should get more experienced.
 She is getting better.
 You are making me more tired.
 The most wonderful flower in this farm.
 He was so fatter than me.
 It was getting farther.
 The most important problem in this country is poverty.
 I think these sofas are cheaper.

جملات شرطی

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

اگر غذا نخوری لاغر خواهی شد.

اگر تلاش کنی میتوانی موفق بشی.

مادرت رو شاد خواهی کرد اگر برای او کادو بخری.

اگر میدیدمش باهات صحبت میکردم.

اگر نمیرفتی میتوانستی ببینیش.

اگر اسمش را میدانستم صدایش میزدم.

اگر پول داشت چه میخریدی؟

اگر زنگ نزنند بهش زنگ میزنی؟

اگر میدانستی جوابش را میدادی؟

چه کار میکردی اگر توانایی داشتی؟

چه فیلمی میدیدی اگر تلویزیون داشتی؟

اگر ماشین بخری کجا مسافرت میکنی؟

پاسخ

If you don't eat food, you will get thin.
 If you try, you can succeed.
 You will make your mother happy, if you buy gift for her.
 If I saw her, I would talk to her.
 If you didn't go you would see him.
 If I knew her name, I would call her.
 What would he buy if he had money?
 Will you call her, if she doesn't call you?
 If you knew, would you answer it?
 What would you do, if you had ability?
 What movie would you watch, if you had TV?

Where will you travel, if you buy car?

نکته: به محض دیدن لغت if در جمله، دیگر به سراغ نشانه‌های زمان‌ها نمی‌رویم، لذا جهت ترجمه جمله به جای پیدا کردن زمان آن، به سراغ فرمول جملات شرطی می‌رویم.

نکته: جملات فوق همگی با جمله شرطی نوع اول و دوم ترجمه شده‌اند، لذا جمله شرطی نوع سوم تنها زمانی کاربرد دارد که جمله دارای احتمال خیلی کم و یا بصورت آرزو و رویا باشد.

ضمایر موصولی

تمرین:

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

- معلمی که داشت درس می‌داد.
- انسان‌هایی که به طبیعت آسیب می‌رسانند.
- پدری که فرزندش را تنبیه می‌کند.
- راننده‌ای که دیروز دیده بودم.
- مریضی که آنها بردند به بیمارستان.
- غذایی که دیروز خوردیم خوشمزه بود.
- لیوانی که تو داری میشکنی مال من است.
- مبلی که دیروز خریده بودیم گران بود.
- مکانی که ما قرار است او را ملاقات کنیم.
- دانشگاهی که من در آن تحصیل کردم.
- زمانی که من به آرزویم برسم.
- روزهایی که ما در آنجا بودیم.
- مبلی که رویه‌اش کثیف است.
- مردی که کفش‌هایش مشکی است.
- سگی که دمش بلند است.

پاسخ

- The teacher who was teaching.
- The Humans who harm nature.
- A father who punishes his child.
- The driver who I saw yesterday.
- The Sick whom they took to hospital.
- The food which we ate yesterday was delicious.
- The glass which you are breaking is mine.
- The furniture which we had bought yesterday was expensive.
- The place where we are going to visit him.
- The university where I studied.
- The time When I achieve my wish.
- The days when we were there.
- The Furniture whose cover is dirty.
- The man whose shoes are black.
- The dog whose tail is long.

جملات دو فعلی

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

من رفتم تا ببینمش.

او آمد تا با من فوتبال بازی کند.

ما درس خوانده‌ایم تا آزمون را پاس کنیم.

آنها تماس گرفته بودند تا با تو صحبت کنند.

من دارم میرم آمریکا تا پیشرفت کنم.

والدین من پول جمع کرده بودند تا خانه بخرند.

آیا دویدی تا او را بگیری؟

آیا آنها آمده بودند تا تو را ملاقات کنند؟

آیا نمیخواهی با اون صحبت کنی؟

من صحبت نکردم تا او برود.

او آرام خواند تا آنها نشنوند.

ما اینجا را ترک کردیم تا شما بمانید.

پاسخ

I went to see her.

He came to play football with me.

We have studied for passing the test.

They had called for talking to you.

I'm going to America to make progress.

My parents saved money to buy a house.

Did you run to catch him?

Had they come for meeting you?

Don't you want to talk to her?

I didn't talk so that he goes.

He sang quietly so that they don't hear.

We left here so that you stay.

جملات مجهول

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

مبل‌ها فروخته شده‌اند.

آیا مبل‌ها فروخته شده‌اند؟

مبل‌ها کجا فروخته شده‌اند؟

آیا ماشین شسته شده بود؟

دیوارها دارند رنگ می‌شوند.

او داشت افسرده می‌شد.

پارچه‌ها پاره شده بودند.

پول‌ها قرار است خرج بشوند.

آیا این خانه قرار است تمیز بشود؟

موبایل گم شده بود.

آیا نامه‌ها دارند ارسال می‌شوند؟

داستان داشت نوشته می‌شد توسط او.

زمین داشت تمیز می‌شد توسط کارگر.

مریض توسط آمبولانس به بیمارستان برده شده است.

ما داریم تنبیه می‌شویم توسط پدرمان.

غذا خورده شده است.

آب ریخته شده بود.

تماس توسط ما گرفته شده بود.

پاسخ

The sofas have been sold.

Are the sofas sold?

Where are the sofas sold?

Was the car washed?

The walls are being painted.

She was getting depressed.

The fabrics were torn.

The money is going to be spent.

Is this house going to be cleaned?

The cell phone was lost.

Are the letters being sent?

The story was being written by him.

The ground was being cleared by the worker.

The patient was taken to the hospital by ambulance.

We are being punished by our father.

The food is eaten.

The water was poured.

The call was taken by us.

نکته: زمان مجهول حال ساده و ماضی نقلی در زبان انگلیسی میتوانند بجای یکدیگر استفاده بشوند.

زمان مجهول گذشته ساده و ماضی بعید در زبان انگلیسی میتوانند بجای یکدیگر استفاده بشوند.

صفات فاعلی و مفعولی

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

او خیلی خسته است.

ما افسرده شده‌ایم.

آنها هیجان زده هستند.

تو خیلی ناامید کننده صحبت میکنی.

او دارد گیج میشود.

این مسئله خیلی پیچیده شده است.

داستان خسته کننده بود.

این طبیعت تحیر آور است.
این فیلم بسیار ترس آور است.
من خیلی ترسیده‌ام.

پاسخ

She is very tired.
We are depressed.
They are excited.
You talk so frustrating.
He's getting confused.
This is a very complicated issue.
The story was boring.
This is a humiliating nature.
This movie is very frightening.
I'm so scared.

انواع قید

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.

من خیلی آهسته داشتم رانندگی می‌کردم.

او بسیار تند راه می‌رود.

آنها به آرامی صحبت می‌کنند.

آیا می‌توانی با دقت این مسئله را حل کنی؟

کجا باید بلند آواز بخوانم؟

من سعی می‌کنم به وضوح بنویسم.

آنها عاشقانه صحبت می‌کنند.

تو باید روان انگلیسی صحبت کنی.

من سخت کار کرده‌ام.

این منظره به زیبایی با من صحبت می‌کند.

آیا این جملات را به آرامی گفته‌ای؟

او به زودی برمی‌گردد.

آنها معمولاً دیر برمی‌گردند.

من باید فردا در مدرسه شعر بخوانم.

آنها من را دیروز در پارک دیدند.

آیا مدرکت را سال گذشته در آمریکا گرفتی؟

من می‌توانم هرروز در ساحل پیاده‌روی کنم.

او هفته گذشته در خانه تلاش کرد ورزش کند.

I was driving very slowly.
 He walks very fast.
 They speak slowly.
 Can you solve this problem carefully?
 Where should I sing loudly?
 I try to write clearly.
 They talk passionately.
 You should speak English fluently.
 I have worked hard.
 This landscape speaks to me beautifully.
 Have you said these sentences slowly?
 He will be back soon.
 They usually return late.
 I have to read poetry at school tomorrow.
 They saw me in the park yesterday.
 Did you get your degree in the US last year?
 I can walk at the beach every day.
 He tried to exercise at home last week.

گذشته افعال کمکی

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.
 همیشه لطفا بهم کمک کنی؟
 همیشه در را ببندید؟
 من توانستم از خیابان عبور کنم.
 من می توانستم از خیابان عبور کنم.
 توانستی او را ببینی؟
 او می توانست پول جمع کند.
 او ممکن است اینجا را ترک کند.
 او ممکن بود اینجا را ترک کند.
 ما ممکنه آزمون را پاس نکنیم.
 آنها ممکن بود فرار کنند.
 تو باید میرفتی.
 من میبایست ماشینم را می شستم.
 آنها باید کلاس را ترک میکردند.
 تو باید آرام رانندگی می کردی.
 آیا من باید خانه را تمیز می کردم؟

پاسخ

Could you please help me?
 Could you close the door?
 I could cross the street.
 I could have crossed the street.

Could you see her?
 He could save money.
 He might leave here.
 He might have left here.
 We may not pass the test.
 They might have escaped.
 You should have gone.
 I had to wash my car.
 They had to leave class.
 You had to drive slowly.
 Should I have cleaned the house?

نکته: فرق بین must و should تنها در اجبار آن است. در must یک اجبار وجود دارد منتها در should اجبار زیادی دیده نمی شود.

کاربرد still , yet و any more

تمرین

جملات ذیل را ترجمه نمایید.
 من هنوز پول را دریافت نکرده‌ام.
 او هنوز با من صحبت نکرده‌است.
 آیا هنوز پدرت را ندیده‌ای؟
 او هنوز دارد به مدرسه می‌رود.
 آنها هنوز دارند فوتبال بازی می‌کنند.
 آیا هنوز دانشجویی؟
 ما هنوز خسته هستیم.
 آیا هنوز در خیابان است؟
 ما هنوز درس می‌خوانیم.
 برادرم دیگر با من صحبت نمی‌کند.
 پدرم دیگر به من پول نمی‌دهد.
 آیا دیگر فیلم نمیبینی؟
 تو دیگر تند رانندگی نمیکنی.

پاسخ

I haven't received the money yet.
 He has not spoken to me yet.
 Haven't you seen your father yet?
 She's still going to school.
 They are still playing football.
 Are you still a student?
 We're still tired.
 Is she still on the street?
 We are still studying.
 My brother doesn't talk to me anymore.
 My dad doesn't give me money anymore.
 Don't you see movie anymore?
 You don't drive fast anymore.

بیان مالکیت

تمرین

جملات ذیل را به انگلیسی ترجمه نمایید.

خانه رضا.

ماشین دیوید.

پنجره‌ی خانه.

درب ماشین.

موس کامپیوتر.

ذهن انسان.

روز پدر.

بند کفش.

دیوار اتاق.

دیوار سفید اتاق.

پنجره قدیمی خانه.

اداره پلیس تهران.

فرش تمییز خانه.

مدرسه خوب محله ما.

مبل بزرگ اداره پدرم.

پاسخ

Reza's house.

David's car.

Home window.(the window of home)

Car door.(the door of car)

Computer mouse.(the mouse of computer)

The human mind.(the mind of the human)

father's Day.

Shoe string.(the string of shoe)

room wall.(the wall of room)

The White wall of the room.(room white wall)

Old house window.(the window of the old house)

Tehran Police Department.

house clean rugs.

Our neighborhood good school.

my dad's office big sofa.

نکته: اگر مالک اسم خاص بود بهتر است از 's استفاده بشود.

اگر هر دو اسم غیر اسم خاص بودند میتوان هم از فرمول the ... of the استفاده کرد و هم میتوان بدون استفاده از این فرمول، ترکیب فارسی را از انتها به ابتدا ترجمه نمایید.

نکته: در رابطه با فرمول the....of the در واقع the دوم زمانی استفاده می‌شود که اسم پس از آن، اسمی باشد که توسط شنونده یا خواننده از قبل شناخته شده باشد.

The wall of house
The wall of the house

در جمله دوم شنونده می‌داند منظور از خانه کدام خانه می‌باشد. اما در جمله اول خانه می‌تواند هر خانه‌ای باشد.

اعداد شمارشی

1 – one 2 – two 3 – three 4 – four 5 – five 6 – six 7 – seven 8 – eight 9 – nine 10 – ten
11 – eleven 12 – twelve 13 – thirteen 14 – fourteen 15 – fifteen 16 – sixteen 17 – seventeen
18 – eighteen 19 – nineteen 20 – twenty 21 – twenty-one 22 – twenty-two 30 – thirty
40 – forty 50 – fifty 60 – sixty 70 – seventy 80 – eighty 90 – ninety 100 – one hundred*
101 – one hundred and one 200 – two hundred 300 – three hundred 1000 – one thousand
1,000,000 – one million 10,000,000 – ten million

به جای one hundred می‌توانیم از a hundred استفاده کنیم این الگو برای one thousand و one million نیز کاربرد دارد.

هنگام نوشتن اعداد شمارشی بین ۲۱ تا ۹۹ در صورتیکه عدد دوم صفر نباشد از خط تیره استفاده می‌شود.

مثال:

21 => twenty-one
25 => twenty-five
32 => thirty-two
58 => fifty-eight
64 => sixty-four
79 => seventy-nine
83 => eighty-three
99 => ninety-nine

اگر قبل از اعدادی نظیر hundred, thousand, million عددی واقع شود این اعداد هیچگاه جمع بسته نمی‌شوند.

I have two hundreds dollars in my bag. (نادرست)

I have two hundred dollars in my bag. (درست)

(من دویست دلار در کیفم دارم.)

اعداد ترتیبی

1st – first 2nd – second 3rd – third 4th – fourth 5th – fifth 6th – sixth 7th – seventh
8th – eighth 9th – ninth 10th – tenth 11th – eleventh 12th – twelfth 13th – thirteenth
14th – fourteenth 15th – fifteenth 16th – sixteenth 17th – seventeenth 18th – eighteenth
19th – nineteenth 20th – twentieth 21st – twenty-first 22nd – twenty-second 30th – thirtieth
40th – fortieth 50th – fiftieth 60th – sixtieth 70th – seventieth 80th – eightieth
90th – ninetieth 100th – hundredth 101st – hundred and first 200th – two hundredth
300th – three hundredth 1,000th – thousandth 1,000,000th – ten millionth

هنگام نوشتن اعداد ترتیبی بین ۲۱ تا ۹۹ در صورتیکه عدد دوم صفر نباشد از خط تیره استفاده می‌شود

مثال

21th => twenty-first
 25th => twenty- fifth
 64th => sixty-fourth
 99th => ninety-ninth

لیست افعال بی قاعده (نیازی نمیباشد که این افعال را حفظ کنید زیرا بصورت شبانه جهت حفظ کردن ارائه میشوند)

قسمت اول	قسمت دوم	قسمت سوم	
arise	arose	arisen	بلند شدن
awake	awoke	awoken	بیدار کردن / شدن
be	was / were	been	بودن
bear	bore	born(e)	حمل کردن / تحمل کردن
beat	beat	beaten	زدن
become	became	become	شدن
begin	began	begun	شروع کردن
bend	bent	bent	خم کردن / شدن
bet	bet	bet	شزط بستن
bind	bound	bound	به هم بستن
bite	bit	bitten	گاز گرفتن
bleed	bled	bled	خونریزی کردن
blow	blew	blown	وزیدن
break	broke	broken	شکستن
breed	bred	bred	پرورش دادن
bring	brought	brought	آوردن
broadcast	broadcast	broadcast	پخش کردن
build	built	built	ساختن
burn	burnt / burned	burnt / burned	سوزاندن
burst	burst	burst	منفجر شدن
buy	bought	bought	خریدن
catch	caught	caught	گرفتن
choose	chose	chosen	انتخاب کردن
cling	clung	clung	چسبیدن
come	came	come	آمدن
cost	cost	cost	قیمت داشتن
creep	crept	crept	خزیدن
cut	cut	cut	بریدن

داد و ستد داشتن	dealt	dealt	deal
کندن	dug	dug	dig
انجام دادن	done	did	do
نقاشی کردن	drawn	drew	draw
خواب دیدن	dreamt / dreamed	dreamt / dreamed	dream
نوشیدن	drunk	drank	drink
رانندگی کردن	driven	drove	drive
خوردن	eaten	ate	eat
افتادن	fallen	fell	fall
غذا دادن	fed	fed	feed
احساس کردن	felt	felt	feel
جنگیدن	fought	fought	fight
پیدا کردن	found	found	find
پرواز کردن	flown	flew	fly
ممنوع کردن	forbidden	forbade	forbid
فراموش کردن	forgotten	forgot	forget
بخشیدن	forgiven	forgave	forgive
منجمد کردن / یخ زدن	frozen	froze	freeze
تهیه کردن / شدن	gotten	got	get
دادن	given	gave	give
رفتن	gone	went	go
خرد کردن	ground	ground	grind
رشد کردن / پرورش دادن	grown	grew	grow
آویزان کردن	hung	hung	hang
داشتن	had	had	have
شنیدن	heard	heard	hear
مخفی کردن	hidden	hid	hide
زدن	hit	hit	hit
نگه داشتن / برگزار کردن	held	held	hold
صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
نگهداری کردن	kept	kept	keep
زانو زدن	knelt	knelt	kneel
دانستن / شناختن	known	knew	know
قرار دادن	laid	laid	lay
راهنمایی کردن	led	led	lead
تکیه دادن / خم شدن	leant / leaned	leant / leaned	lean
یاد گرفتن	learnt / learned	learnt / learned	learn
ترک کردن	left	left	leave
قرض دادن	lent	lent	lend
دراز کشیدن	lain	lay	lie (in bed)

دروغ گفتن	lied	lied	lie
روشن کردن	lit / lighted	lit / lighted	light
از دست دادن	lost	lost	lose
درست کردن / مجبور کردن	made	made	make
ممکن بودن	...	might	may
معنی دادن	meant	meant	mean
ملاقات کردن	met	met	meet
چیدن	mown / moved	mowed	mow
چیره شدن	overtaken	overtook	overtake
پرداخت کردن	paid	paid	pay
قرار دادن	put	put	put
خواندن	read	read	read
راندن	ridden	rode	ride
زنگ زدن	rung	rang	ring
بالا رفتن / طلوع کردن	risen	rose	rise
دویدن	run	ran	run
اره کردن	sawn / sawed	sawed	saw
گفتن	said	said	say
دیدن	seen	saw	see
فروختن	sold	sold	sell
فرستادن	sent	sent	send
تنظیم کردن / غروب کردن	set	set	set
دوختن	sewn / sewed	sewed	sew
لرزاندن / لرزیدن	shaken	shook	shake
بیرون ریختن	shed	shed	shed
درخشیدن	shone	shone	shine
شلیک کردن	shot	shot	shoot
نمایش دادن	shown	showed	show
کوچک شدن	shrunk	shrank	shrink
بستن	shut	shut	shut
آواز خواندن	sung	sang	sing
غرق شدن	sunk	sank	sink
نشستن	sat	sat	sit
خوابیدن	slept	slept	sleep
سُر خوردن	slid	slid	slide
بوییدن	smelt	smelt	smell
بذر افشانی کردن	sown / sowed	sowed	sow
صحبت کردن	spoken	spoke	speak
هجی کردن	spelt / spelled	spelt / spelled	spell
خرج کردن / گذراندن	spent	spent	spend

افشا کردن	spilt / spilled	spilt / spilled	spill
تُف کردن	spat	spat	spit
گسترده/پخش شدن	spread	spread	spread
ایستادن	stood	stood	stand
دزدیدن	stolen	stole	steal
چسباندن / چسبیدن	stuck	stuck	stick
نیش زدن	stung	stung	sting
بوی بد دادن	stunk	stank	stink
ضربه زدن	struck	struck	strike
قسم خوردن	sworn	swore	swear
جارو کردن	swept	swept	sweep
باد کردن / متورم شدن	swollen / swelled	swelled	swell
شنا کردن	swum	swam	swim
تاب خوردن	swung	swung	swing
گرفتن	taken	took	take
درس دادن	taught	taught	teach
پاره کردن	torn	tore	tear
گفتن	told	told	tell
فکر کردن	thought	thought	think
پرتاب کردن	thrown	threw	throw
فهمیدن	understood	understood	understand
بیدار کردن	waken	woke	wake
پوشیدن	worn	wore	wear
گریه کردن	wept	wept	weep
برنده شدن	won	won	win
کوک کردن / شدن	wound	wound	wind
نوشتن	written	wrote	write

پایان